



# Analyzing the Psychology of Authority Based on the Stanley Test: a Case Study of Psychology Students

Smaeil Namdari<sup>1</sup>, Karim Afsharineya<sup>\*2</sup>, Keyvan Kakabaraee<sup>3</sup>, Mokhtar Arefi<sup>2</sup>

<sup>1</sup> PhD student, Department of Psychology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Psychology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

<sup>3</sup> Professor, Department of Psychology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

\* Corresponding author: k.afsharineya@iauksh.ac.ir

Received: 2024-07-21

Accepted: 2024-08-04

## Abstract

**Introduction:** The aim of the present study is to repeat the concept of the obedience to authority test of Stanley Milgram (1963-1974) by controlling the influence of disturbing variables raised by critics such as (the role of laboratory conditions, the believable implementation of deception, the effect of trust in the normal personality of the experimenter, the legroom effect using stimulating and coercive sentences) in a comprehensive plan and also investigating the correlation of two variables of age and gender with the level of obedience to authority. **Method:** The quasi-experimental research method was pre-test-post-test of one group and also of correlation type. The statistical population included all undergraduate students in the field of psychology at Islamic Azad University, Kermanshah branch in the academic year 1401-1402, and using the available sampling method, a class of 30 people from the psychology department was selected as a sample. The research tool included a researcher-made questionnaire. SPSS software version 26 was used for data analysis. **Findings:** The results indicated that 84% of the subjects obeyed the orders of the authority significantly ( $p=0$ ). Also, there was no correlation ( $r=0.047-0.008$ ) between the variables of age and gender and the level of obedience. **Conclusion:** Considering that in the present study, the influence of disturbing variables that had influenced the results of Milgram's research was controlled, the results obtained showed a high level of obedience in line with Milgram's research.

**Keywords:** obedience to authority, Stanley Milgram, Social influence

© 2019 Journal of New Approach to Children's Education (JNACE)



This work is published under CC BY-NC 4.0 license.

© 2022 The Authors.

**How to Cite This Article:** Afsharineya ,K, et al. (2025). Analyzing the Psychology of Authority Based on the Stanley Test: a Case Study of Psychology Students . *JNACE*, 6(4): 33-43.





## تحلیل روان‌شناسی اتوریته بر مبنای آزمایش استنلی: مطالعه موردی دانشجویان روانشناسی

اسماعیل نامداری<sup>۱</sup>، کریم افشاری نیا<sup>۲\*</sup>، کیوان کاکابرای<sup>۳</sup>، مختار عارفی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه روانشناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران،

<sup>۲</sup> دانشیار، گروه روانشناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

<sup>۳</sup> استاد، گروه روان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

\* نویسنده مسئول: k.afsharineya@iauaksh.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱

### چکیده

مقدمه: هدف پژوهش حاضر تکرار مفهومی آزمایش اطاعت از اتوریته‌ی استنلی میلگرام (۱۹۶۳-۱۹۷۴) با کنترل تأثیر متغیرهای مزاحم مطرح شده توسط منتقدین نظیر (نقش شرایط آزمایشگاه، اجرای باورپذیر فریب، تأثیر اعتماد به شخصیت بهنجار آزمایشگر، اثر جای پا باز کردن، استفاده از جملات محرک و اجبار) در یک طرح جامع و همچنین بررسی میزان همبستگی دو متغیر سن و جنسیت با میزان اطاعت از اتوریته بود.

روش: روش پژوهش شبه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون تک گروهی و همچنین از نوع همبستگی بود. جامعه‌ی آماری شامل تمام دانشجویان مقطع کارشناسی رشته‌ی روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، یک کلاس ۳۰ نفره از گروه روانشناسی به عنوان نمونه انتخاب شد. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌ی محقق ساخته بود. جهت تحلیل داده‌ها از نسخه‌ی ۲۶ نرم افزار spss استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج حاکی از آن بود ۸۴٪ آزمودنی‌ها به صورت معنی داری ( $p=0$ ) از دستورات اتوریته اطاعت کردند. همچنین بین متغیرهای سن و جنسیت و میزان اطاعت رابطه‌ی همبستگی ( $r=0/008-0/047$ ) وجود نداشت.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه در پژوهش حاضر تأثیر متغیرهای مزاحم که به نظر منتقدین نتایج پژوهش میلگرام را تحت تأثیر قرار داده بود کنترل شد، نتایج به دست آمده همسو با پژوهش میلگرام میزان بالای اطاعت را نشان داد.

### واژگان کلیدی: اطاعت از اتوریته، استنلی میلگرام، نفوذ اجتماعی

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه رویکردی نو بر آموزش کودکان محفوظ است.

شيوه استناد به این مقاله: نامداری، اسماعیل؛ افشاری نیا، کریم؛ کاکابرای، کیوان؛ عارفی، مختار. (۱۴۰۳) تحلیل روان‌شناسی اتوریته بر مبنای آزمایش استنلی: مطالعه موردی دانشجویان روانشناسی. فصلنامه رویکردی نو بر آموزش کودکان، ۶(۴): ۴۳-۳۳.

### مقدمه

پرسید: «شما چه خصومتی با یهودیان داشتید که دستور سوزاندن آنها را در کوره‌های آدم سوزی صادر می‌کردید؟» آیشمن در کمال خونسردی جواب داد: «من هیچ وقت از یهودیان متنفر نبوده‌ام، من فقط از قانونی که برایم وضع شده

در جریان محاکمه‌ی جنایتکاران جنگ جهانی دوم، جنگی که بیش‌ترین میزان تلفات را در طول تاریخ بشر داشته، وقتی قاضی دادگاه از Adolf Eichmann، یکی از فرماندهان ارشد هیتلر

بود تبعیت می‌کردم Arendt که گزارش‌هایی از روند محاکمه تهیه می‌کرد معتقد بود که او در آن دادگاه کارمند ساده و یا به عبارت دیگر انسان «مأمور و معذوری» را می‌دید که کارگزار دستگاه حکومت بوده و تنها کاری که کرده اطاعت از دستورات مقامات بالاتر بدون هیچ گونه تفکر و تأمل بوده است (Arendt, 1963/1994).

(1974) Milgram متأثر از جو سال‌های پس از جنگ جهانی، توجیهات ارائه شده برای اعمال نسل‌کشی، توسط متهمین دادگاه‌های جنایات جنگی را مورد بررسی قرار داد. دفاعیات آنها اغلب مبتنی بر «اطاعت» بود، بدین معنی که آنها صرفاً دنباله‌روی دستورات فرماندهانشان بودند. میلگرام در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۳، در دانشگاه ییل<sup>۱</sup> دست به سلسله آزمایش‌هایی زد تا به این سؤال پاسخ گوید که «چرا، چگونه و چقدر انسان‌ها حاضرند از دستوراتی اطاعت کنند که باعث ایجاد آسیب در دیگران می‌شود».

آزمایش به این شکل بود که در ابتدا میلگرام در بخش آگهی‌های روزنامه، فراخوانی را برای شرکت در یک آزمایش روانشناسی جهت بررسی اثر تنبیه بر یادگیری و حافظه منتشر کرد. ۴۰ مرد بین سنین ۲۰ تا ۵۰ ساله از ناحیه نیویورک<sup>۲</sup> که طیف شغلی آنها از متخصص تا غیرمتخصص بود برای این آزمایش داوطلب شدند. برای حضور در این آزمایش مبلغ ۵۰ دلار به آنها پرداخت می‌شد. به داوطلبان گفته می‌شد که هدف از آزمایش اندازه‌گیری تأثیر شوک الکتریکی بر میزان یادگیری و عملکرد حافظه است، در حالی که هدف اصلی آزمایش که از داوطلبان پنهان می‌ماند، بررسی میزان اطاعت داوطلبان از دستورات آزمایشگر بود. در آغاز آزمایش، داوطلبان به یکی دیگر از شرکت کنندگان معرفی می‌شدند که در حقیقت او همدست یا همکار آزمایشگر بود. آزمایش شامل دو نقش معلم و یادگیرنده می‌شد. برای تعیین و واگذاری نقش «معلم یا یادگیرنده» اقدام به قرعه‌کشی می‌شد، این قرعه‌کشی‌ها ساختگی بودند و همدست همیشه نقش یادگیرنده را دریافت می‌کرد. آزمایشگر نیز در آنجا حضور داشت و یک لباس آزمایشگاهی خاکستری رنگ به تن می‌کرد و دستورات آزمایش را صادر می‌کرد این نقش را نیز یک بازیگر ایفا می‌کرد. از دو اتاق با دیواری مشترک در آزمایشگاه ییل استفاده شد، یکی برای یادگیرنده (با یک صندلی برقی) و دیگری برای معلم و آزمایشگر با یک ژنراتور شوک الکتریکی، یادگیرنده به یک صندلی که الکترودهایی نیز به آن متصل بود، با تسمه‌هایی بسته می‌شد و لیستی از جفت کلمه‌ها در اختیار او قرار می‌گرفت. تکلیف آزمایش به این صورت بود که همدست آزمایشگر که نقش یادگیرنده را به عهده داشت باید جفت کلمات را به خاطر

می‌سپرد و سپس آنها را یادآوری می‌کرد. سپس معلم آزمون را اجرا می‌کرد به این شکل که با گفتن بخش اول جفت کلمه‌ها، از یادگیرنده می‌خواست تا کلمه‌ی همراه و یا جفت صحیح آن کلمه را از لیستی که حاوی چهارگزینه‌ی احتمالی بود انتخاب کند. از سوی آزمایشگر به معلم گفته شده بود که با هر بار اشتباه یادگیرنده، یک شوک الکتریکی به او وارد کند و سطح این شوک را برای هر اشتباه افزایش دهد. ۳۰ دکمه بر روی ژنراتور شوک مشخص شده بود که از ۱۵ ولت (شوکی کم) تا ۴۵۰ ولت (خطر- شوک شدید) متغیر بود. یادگیرنده که همدست آزمایشگر بود به صورت عمدی به پرسش‌ها، پاسخ‌های اشتباه می‌داد و برای هر یک از این اشتباهات، معلم به او یک شوک الکتریکی وارد می‌کرد. شوک‌ها غیرواقعی بودند اما معلم از غیرواقعی بودن آنها بی‌اطلاع بود. در شوک ۱۸۰ ولت یادگیرنده شروع به التماس و داد و فریاد می‌کرد که شوک‌ها دردناک هستند و من ناراحتی قلبی دارم لطفاً آزمایش را تمام کنید. زمانی که معلم از دادن شوک خودداری می‌کرد، آزمایشگر با ارائه‌ی یک سری از دستورات سعی می‌کرد تا او را برای ادامه‌ی این کار تحریک کند. چهار جمله‌ی محرک وجود داشت و اگر کسی اطاعت نمی‌کرد، آزمایشگر به ترتیب جملات محرک را می‌خواند: ۱- لطفاً ادامه دهید ۲- آزمایش نیاز به ادامه دادن شما دارد ۳- این امر کاملاً ضروری است که شما ادامه دهید ۴- شما هیچ انتخاب دیگری به جز ادامه دادن ندارید. در پایان، نتایج آزمایش نشان داد که ۶۹٪ یعنی دو سوم آزمودنی‌ها (معلمان) از دستورات آزمایشگر اطاعت کردند و به دادن بالاترین سطح شوک یعنی ۴۵۰ ولت ادامه دادند.

آزمایش میلگرام تلاشی بود در جهت تبیین نفوذ اجتماعی (Milgram, 1974) که عبارت است از به کارگیری روش‌هایی خاص به منظور تأثیر گذاشتن افراد و گروه‌ها، برای تغییر در ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتار دیگران (الیاسی، ۱۳۹۲) در اثر نفوذ اجتماعی یکی از پیامدهای آن یعنی اطاعت، که انجام یک دستور صریح که معمولاً صادرکننده آن شخصی قدرتمند یا دارای پایگاه اجتماعی بالا است شکل می‌گیرد. آزمایش میلگرام شاید پر استنادترین مجموعه در علوم انسانی باشد (Miller, 1986) و در طول ۵۰ سال گذشته تأثیر آن در زمینه‌های روانشناسی، قانون، حتی موسیقی و داستان بدون وقفه ادامه داشته است (Blass, 2012). اما از همان ابتدا انتقادها در دو زمینه‌ی رعایت نشدن اخلاق در پژوهش و در نظر نگرفتن متغیرهای مزاحم در اجرای آزمایش به میلگرام وارد آمد. بیشتر انتقادات از تحقیقات میلگرام بر استرس شدید شرکت کنندگانش متمرکز بود (Baumrind, 1964; Kelman, 1967; Mixon, 1976). به گفته خود (Milgram, 1974) «در تعداد زیادی از

موارد، درجه تنش به حدی رسیده است که به ندرت در مطالعات آزمایشگاهی روان‌شناسی اجتماعی دیده می‌شود. مشاهده شد که آزمودنی‌ها عرق می‌کنند، می‌لرزند، لکنت زبان می‌گیرند، لب‌های خود را گاز می‌گیرند، ناله می‌کنند و ناخن‌های خود را در گوشت فرو می‌کنند ۱۴ نفر از ۴۰ نفر علائم مشخصی از خنده عصبی را نشان دادند. خنده کاملاً نامناسب و حتی عجیب به نظر می‌رسید. تشنج کامل و غیر قابل کنترل برای ۳ نفر مشاهده شد. اگرچه Milgram (1964) ادعا کرد که او این سطح بالای استرس را پیش بینی نکرده بود، منتقدان استدلال کردند که او باید آزمایش را زمانی پایان می‌داد که درجه واقعی ناراحتی عاطفی برای شرکت کنندگان آشکار شد (Milgram, 1964). منتقدین دیگر نگران پیامدهای بلند مدت شرکت در تحقیق بودند. علی‌رغم این واقعیت که هیچ شوک واقعی به آزمودنی‌ها داده نشد، شرکت کنندگان باور داشتند که شوک‌های الکتریکی واقعی را به انسان دیگری وارد کرده‌اند. منتقدان استدلال کردند که باور به واقعی بودن شوک‌ها می‌تواند منجر به اثرات منفی طولانی مدت برای برخی از شرکت کنندگان شود (Milgram, 1967; Kelman, 1964). Milgram (1964, 1974) به دفاع از کار خود پاسخ داد، بر اساس مطالعات بعدی و پاسخ‌های داده شده به پرسش نامه‌ها، او استدلال کرد که اکثریت بزرگی از شرکت کنندگان (۸۴٪) از شرکت کردن در آزمایش "خوشحال" یا "بسیار خوشحال" بودند و فقط یک اقلیت کوچک (۱٪) "متأسف" یا "بسیار متأسفند" او همچنین استدلال کرد که تقریباً سه چهارم (۷۴٪) احساس می‌کردند که در طول مطالعات چیزی مهم شخصی را یاد گرفته‌اند. اما پیگیری‌ها (Blass, 2004) همچنین نشان می‌دهد که بیش از نیمی از شرکت کنندگان (۶۰٪) گزارش کردند که در طول مطالعات «بسیار ناراحت» یا «تا حدودی عصبی» بوده‌اند و بیش از یک سوم (۳۶٪) گزارش کرده‌اند که از مطالعات پس از آن اذیت شده‌اند. از این تعداد، ۷٪ گزارش کردند که "کمی" اذیت شده‌اند. در نهایت در سال ۱۹۷۳، انجمن روانشناسی آمریکا<sup>۳</sup> اولین اصول اخلاقی جامع خود را در مورد تحقیق با موضوعات انسانی را منتشر کرد. و طبق قانون تحقیقات ملی در سال ۱۹۷۴، مقررات فدرال در مورد تحقیق با افراد انسانی در آن زمان، انجام هر گونه تکرار روش شناختی آزمایش اطاعت میلگرام را عملاً غیرممکن کرد (Blass, 2012). محققان با راهبردهای متعددی جهت اجرای مجدد آزمایش‌های اطاعت از اتوریت به این معضل پاسخ داده‌اند. یک رویکرد از ایفای نقش استفاده می‌کند (Geller, 1978). شرکت کنندگان در این مطالعات معمولاً در محیطی قرار می‌گیرند که شبیه آزمایشگاه میلگرام است و از آنها خواسته می‌شود خود را در نقش معلم تصور کنند یا در برخی

موارد تصور کنند، شخصی که در نقش معلم است ممکن است چه کاری انجام داده باشد. در ابتدا برای شرکت کنندگان روشن می‌شود که شوک‌ها واقعی نیستند و اینکه یادگیرنده و آزمایش کننده بازیگر هستند. برخی از این تحقیقات، یافته‌هایی مشابه میلگرام را گزارش می‌دهند (Geller, 1978; Mixon, 1976; O'Leary et al, 1970). با این حال، اینکه آیا این شرکت کنندگان در نقش آفرینی از نظر عاطفی درگیر هستند یا تجربیات روانی مشابهی را با آزمایش واقعی تجربه می‌کنند به این روش انتقاد شده است (Geller, 1978; Miller, 1972). اخیراً محققان نسخه‌های واقعیت مجازی از وضعیت تجربی میلگرام ایجاد کرده‌اند (Dambrun & Vatine, 2010) مانند شرکت کنندگان در آزمایش‌های نقش آفرینی، شرکت کنندگان در مطالعات واقعیت مجازی نیز می‌دانند که شوک‌ها واقعی نیستند و بازیگران را تماشا می‌کنند و به صداهای از پیش ضبط شده گوش می‌دهند. با این حال، اطلاعات دلبداری و شنیداری که دریافت می‌کنند به آن‌ها اجازه می‌دهد بهتر خود را در جایگاه معلم تصور کنند و نسبت به شرکت کنندگان در یک تحقیق ساده نقش آفرینی از نظر احساسی درگیر شوند. محققانی که از این روش استفاده کرده‌اند اغلب نتایجی مشابه نتایج میلگرام پیدا کرده‌اند (Dambrun & Vatine, 2010; Slater, 2006). در مجموعه دیگری از مطالعات تکرار مفهومی از آزمایش Milgram به عمل آمد، به این شکل که آزمودنی‌ها برای افرادی که ظاهراً برای شغلی متقاضی و در مصاحبه ی ورودی شرکت کرده بودند مزاحمت ایجاد کردند (Meeus & Raaijmakers, 1995). به جای شوک الکتریکی، آزمایشگر به آزمودنی‌ها دستور داد که در صورت اشتباه کردن متقاضی، به او نظرات منفی بدهند و برای او ایجاد مزاحمت کنند. ۱۵ نظری که به شرکت کنندگان گفته شد به طور فزاینده‌ای استرس‌زا و تحقیرآمیز بودند (به عنوان مثال، "اگر به همین منوال ادامه دهید، مطمئناً در آزمون مردود خواهید شد"). متقاضی اظهار داشت که نظرات را بسیار ناراحت کننده می‌داند و این نظرات باعث می‌شود که او در امتحان عملکرد ضعیفی داشته باشد، به این معنی است که او شغل را نمی‌گیرد. میزان اطاعت در این پژوهش بیشتر از آزمایش Milgram بود. (Burger, 2009) یک تکرار جزئی از آزمایش میلگرام را انجام داد که برای اجتناب از بسیاری از نگرانی‌های اخلاقی طراحی شده بود، تغییرات شامل غربالگری شرکت کنندگان برای حذف کسانی بود که ممکن است واکنش عاطفی منفی به این تجربه داشته باشند، به شرکت کنندگان مکرر اطلاع داده می‌شد که می‌توانند مطالعه را در هر زمانی پایان دهند، و در عرض چند ثانیه پس از پایان مطالعه به شرکت کنندگان توضیح می‌داد که شوک‌ها واقعی



اطاعت از دستور کشتار، دلیلی نداشت که رفتار افسر مافوق خود را نسبت به خود یا قربانیانشان رفتاری خیرخواهانه بداند. اما در آزمایش میلگرام همزمان با وارد کردن شوک که یک کار غیر انسانی است یک کار اخلاقی نیز انجام می‌دادند که شرکت در یک آزمایش علمی و کمک به شناخت حافظه بود که همین امر باعث افزایش میزان اطاعت می‌شد (Baumrind, 1964).

تعداد زیادی از تحقیقات نشان می‌دهد، افرادی که با انجام یک درخواست کوچک موافقت می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که بعداً با یک درخواست مشابه اما بزرگتر موافقت کنند تا افرادی که فقط با درخواست بزرگتر مواجه می‌شوند (Burger, 1999). میلگرام از روش "جای پا باز کردن"<sup>۴</sup> استفاده کرد و به شرکت کنندگان خود دستور داد که برای اولین اشتباه با شوک 15 ولتی شروع کنند و برای هر اشتباه بعدی مجازات را با افزایش 15 ولت ادامه دهند. رویه‌ها به گونه‌ای تنظیم شدند که شرکت کنندگان قبل از شنیدن اولین درخواست‌های یادگیرنده برای رهایی از آزمایش، ۱۰ شوک را اعمال کرده بودند. تحقیقات در مورد تکنیک جای پا باز کردن نشان می‌دهد که هر فشار یک سوئیچ فشار دادن کلید بعدی را برای شرکت کننده آسان تر می‌کند. مطابق با این تحلیل، بررسی داده‌های میلگرام نشان می‌دهد محتمل‌ترین نقطه برای شرکت کنندگان برای پایان دادن به آزمایش، بلافاصله پس از شنیدن اعتراض‌های یادگیرنده به دنبال شوک ۱۵۰ ولتی بود از این رو ۱۰ شوک ابتدایی را نمی‌توان اطاعت مخرب دانست (Burger, 2009; Gilbert, 1981).

در آزمایش میلگرام به آزمودنی آموزش داده می‌شود که با شوک الکتریکی به قربانی آسیب برساند. این شکل از خشونت را نمونه‌ای از شیوه اعمال اقتدار در زندگی روزمره در جامعه مدرن نمی‌توان دانست، خشونت مدرن با استفاده از چیزی که آن را خشونت واسطه‌ای می‌نامند مشخص می‌شود. در اعمال خشونت واسطه‌ای، افراد فقط به طور غیرمستقیم پیامدهای منفی اعمال خود را برای قربانی مشاهده می‌کنند. مانند تبعیض‌هایی که در ادارات بر علیه عده‌ای اعمال می‌شود از این رو برای بررسی اطاعت بهتر است طرح آزمایشی متناسب با جامعه ی مدرن باشد (Meeus & Raaijmakers, 1995).

روانشناسی به نام Perry (2013) با بررسی صوت‌های ضبط شده از روند آزمایش‌های میلگرام به این نتیجه رسید که آنچه ما فکر می‌کنیم از آزمایش‌های میلگرام می‌دانیم، تنها بخشی از ماجراست. در حالی که گزارش میلگرام از فرایند پژوهش خود به لحاظ روش‌شناختی و اجرا یکسان بود، نوارهای ضبط شده حقایق متفاوتی را آشکار کرد. طی اجرای آزمایش، پژوهشگر اغلب عباراتی خارج از متن به کار می‌برد و معلم را مجبور به ادامه

نبودند. مهمتر از همه، آزمایشگر به محض اینکه معلم در ولتاژ 150 به دنبال اعتراض شاگرد از آزمایش انصراف می‌داد آزمایش را پایان می‌داد. برگر شرکت‌کنندگانی را حذف کرد که ممکن بود واکنش عاطفی منفی به این تجربه داشته باشند، اما میلگرام این کار را نکرد. این مرحله ممکن است تفاوت‌های مهمی بین شرکت کنندگان برگر و میلگرام ایجاد کرده باشد (Elms, 2009; Miller, 2009). این راهکارها هرچند خطر غیر اخلاقی بودن پژوهش را پایین آوردند اما باعث ایجاد متغیرهای مزاحم نیز شدند که برخی از این متغیرهای مزاحم در کارهای ابتدایی میلگرام نیز به چشم می‌خوردند و انتقادهایی را که در ادامه شرح داده می‌شوند متوجه خود کرده بودند.

در هر آزمایش روانشناختی، اطلاع آزمودنی‌ها از موضوع مطالعه ممکن است تأثیرات قابل توجهی بر رفتار او داشته باشد. برای به دست آوردن پاسخ‌های تحریف نشده، غالباً لازم است که هدف آزمایش پنهان شود و برای انجام این کار محققان از اشکال مختلف فریب استفاده می‌کنند. این که برای آزمودنی چقدر فریب باورپذیر بوده است، باید قبل از تعمیم نتایج آزمایش به زندگی خارج از آزمایشگاه ارزیابی شود. در آزمایش میلگرام فریب به خوبی به اجرا در نیامد، تضاد بین عمل و گفته‌های آزمایشگر با واکنش‌های قربانی به شوک، فریب را غیر قابل باور می‌کرد. در ابتدا آزمایشگر به قربانی می‌گوید که شوک‌ها درست است که دردناک هستند اما آسیب‌های فیزیکی و بلند مدت در پی ندارند و اینکه آزمایشگر در واکنش به فریادهای دردناک قربانی به صورت آرام و بدون نگرانی در کنار آزمودنی می‌نشیند، این موقعیت شبیه باور کردن قطع شدن عضو یک فرد در شعبده بازی است (Mixon, 1976; Holland, 1967; Orne, M. T., & Holland, 1968). شرکت کنندگان در آزمایش‌های روانشناسی معمولاً به شخصیت بهنجار آزمایشگر اعتماد دارند و وظیفه‌ی خود را در آزمایش مشارکت با آزمایشگر و حل مسئله می‌دانند، از این رو که موضوع آزمایش میلگرام بررسی تأثیر تنبیه بر یادگیری بود آزمودنی‌ها از روی اعتماد چیزی جز انجام تکلیف بی‌خطر آزمایشی انجام ندادند (Morelli, 1983). در آزمایشگاه که یک محیط ناآشنا است به دلیل اضطراب و انفعال ایجاد شده در آن، آزمودنی بیش از جاهای دیگر مستعد رفتار مطیعانه و قابل تلقین است. بنابراین، آزمایشگاه مکانی برای مطالعه درجه اطاعت یا تلقین، به عنوان تابعی از یک شرایط آزمایشی خاص نیست، زیرا خط پایه برای این پدیده‌ها همانطور که در آزمایشگاه یافت می‌شود احتمالاً بسیار بالاتر از بسیاری از شرایط دیگر است. شباهت بین روابط تئوریت و زیبردستان در آلمان هیتلری و آزمایشگاه میلگرام نامشخص است. در موقعیت قبلی، مرد عضو سپاه افسران آلمانی، هنگام

ملاحظات اخلاقی در پژوهش شامل وجود رضایت کامل جهت شرکت در پژوهش و قطع روند آزمایش در صورت وجود نشانه‌های فشار روانی در آزمودنی‌ها و شرح کامل روند و هدف اصلی پژوهش در پایان برای هر آزمودنی به علت استفاده از فریب در پژوهش بود. این پژوهش بر اساس کد اخلاق کسب شده از کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه (IR.IAU.KSH.REC.1402.052) صورت گرفت.

### ابزار پژوهش

چک لیست مصاحبه: در این پژوهش، جهت چک لیست مصاحبه‌ی وام از پرسشنامه‌ی محقق ساخته جهت ثبت فراوانی رفتار غیر قابل مشاهده (رد یا قبول متقاضی وام) استفاده شد. این چک لیست شامل تعداد ۹ سوال به شرح زیر بود که در صورت پاسخ منفی متقاضی به پرسش‌ها، واجد شرایط گرفتن کمک هزینه می‌شد.

آیا شما دارای شغل دیگری جز تحصیل می‌باشید؟

آیا دارای شرایط زمانی و جسمی و... شاغل بودن می‌باشید؟

تا کنون شرایط و امکانات شغلی برای شما ایجاد شده است؟

آیا دارای سابقه‌ی مشروطی در ترم‌های تحصیلی می‌باشید؟

تحت پوشش کمیته‌ی امام (ره) می‌باشید؟

تحت پوشش سازمان بهزیستی می‌باشید؟

آیا سرپرست شما دارای توان حمایت مالی از شما می‌باشد؟

آیا دارای توان بازپرداخت کمک هزینه تحصیلی به عنوان وام می‌باشید؟

تا کنون کمک هزینه تحصیلی از موسسه یا هر نهاد دیگری دریافت کرده‌اید؟

جهت باور پذیری در پرسشنامه از لوگوی دانشگاه آزاد و موسسه‌ی خیریه استفاده شد. در پایان مصاحبه، مصاحبه‌گر به این پرسش که با توجه به مصاحبه به عمل آمده متقاضی واجد شرایط دریافت کمک هزینه بلاعوض می‌باشد یا نمی‌باشد؟ پاسخ داد و برگه را امضا می‌کرد.

### روش اجرا

در مورخ سه‌شنبه ۱۴۰۱/۱۲/۹ استاد دانشگاه، در یکی از کلاس‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه با حضور در کلاس این مسئله را مطرح کرد که مبلغی پول جهت وام بلاعوض برای دانشجویان کم بضاعت از طرف یک موسسه خیریه در نظر گرفته شده‌است و شرط واگذاری وام به متقاضیان، داشتن شرایط براساس مصاحبه است. فرم استاندارد مصاحبه جهت واگذاری کمک مالی از طرف موسسه‌ی خیریه به دانشگاه داده شده است و همچنین موسسه‌ی مورد نظر مقرر کرده است

شوک می‌کرد. «تبعیت برده‌وار از مرجع قدرت به نظر می‌رسد که بیشتر در نتیجه زورگویی و اجبار آزمایشگر است». افزون بر این، Perry با یافتن برخی داوطلبان دریافت، که آنها حدس می‌زدند که یادگیرنده آسیبی نمی‌بیند و صرفاً وانمود می‌کند که شوک دریافت کرده است. نه تنها میلگرام تماماً در جهت کسب نتیجه مطلوب از روال یکسان آزمایش پیروی نکرد، بلکه بسیاری از شرکت‌کنندگان نیز نقش بازی کردند.

با این حال تکرارهای روش‌شناختی از آزمایش میلگرام در ۱۱ کشور که عبارتند از: اسپانیا، اتریش، آلمان، اردن، آفریقای جنوبی، اسکاتلند، استرالیا، هند و پورتوریکو نتایج مشابهی را داشته است (Blass, 2012). این پژوهش‌ها هر کدام تنها قسمتی از انتقادات به کار میلگرام را در نظر گرفته‌اند، در پژوهش حاضر تلاش شده است در طرحی جامع با در نظر گرفتن متغیرهای مزاحم سوگیری آزمایشگر و متغیرهای کنترل ذکر شده نظیر نقش شرایط آزمایشگاه، اجرای باورپذیر فریب، تأثیر اعتماد به شخصیت بهنجار آزمایشگر، اثر جای پا باز کردن، استفاده از جملات محرک و اجبار، بر متغیر وابسته یعنی اطاعت پذیری، و نیز رعایت اخلاق در پژوهش و رعایت شباهت آزمایش به زندگی مدرن، تکرار مفهومی آزمایش میلگرام اجرا شود و همچنین میزان همبستگی دو متغیر سن و جنسیت با میزان اطاعت از اتوریته بررسی شود.

### روش بررسی

پژوهش حاضر به لحاظ هدف بنیادی و به لحاظ روش شبه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون\_پس‌آزمون تک گروهی و همچنین از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه‌ی آماری شامل تمام دانشجویان مقطع کارشناسی رشته‌ی روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، به علت اینکه اتوریته و مقام دانشگاهی شرکت‌کننده در آزمایش از گروه روانشناسی بود، یک کلاس ۳۰ نفره از گروه روانشناسی به عنوان نمونه انتخاب شد. حجم نمونه با توجه به پژوهش Milgram (1974) که بین ۲۰-۴۰ نفر بود انتخاب شد. ملاک ورود به پژوهش عدم اطلاع آزمودنی‌ها از آزمایش میلگرام بود و به همین دلیل نمونه‌ی پژوهش از دانشجویان ترم دوم روانشناسی انتخاب شد. جهت تحلیل داده‌ها از نسخه‌ی 26 نرم افزار SPSS و جهت مقایسه‌ی مرحله‌ی پیش‌آزمون و پس‌آزمون در متغیر دو ارزشی و اسمی اطاعت، از روش ناپارامتریک کوکران<sup>۵</sup> و در قسمت محاسبه‌ی همبستگی از آزمون ناپارامتریک اسپیرمن<sup>۶</sup> استفاده شد.

طرح مصاحبه تغییر پیدا کرد به همین سبب شکل آزمایش به زندگی واقعی نیز شبیه‌تر شد. طرح آزمایش به عنوان یک موقعیت واقعی برای آزمودنی‌ها مطرح شد نه شرکت در یک آزمایش علمی، به این صورت اثر متغیرهای اعتماد به آزمایشگر و اثر تلقین در محیط آزمایشگاهی و انجام تکلیف آزمایشی بر میزان اطاعت کنترل شد. تکلیف آزمودنی به صورت یک موقعیت دو حالتی رد یا قبول متقاضی وام در نظر گرفته شد بر خلاف آزمایش میلگرام که به صورت تدریجی و مرحله‌ای شوک‌ها افزایش پیدا می‌کرد و آزمودنی‌ها تحت تأثیر متغیر (جای پا باز کردن) قرار می‌گرفتند به این شکل اثر این متغیر نیز کنترل شد. به منظور جلوگیری از مجبور کردن آزمودنی‌ها به اطاعت کردن از دستور استاد از جملات محرک استفاده نشد.

#### یافته‌ها

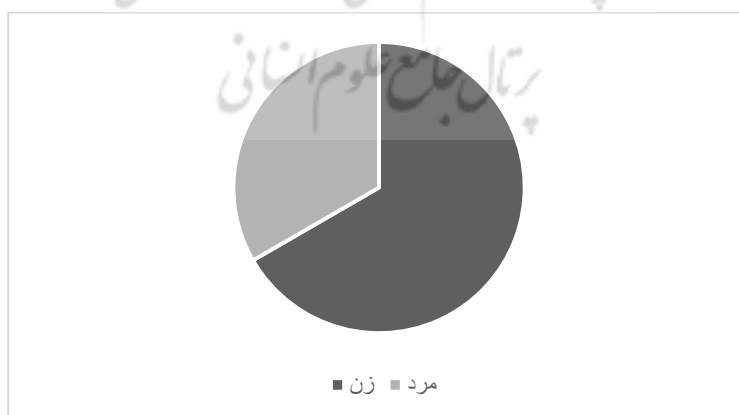
یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که از ۳۰ نفر آزمودنی ۱۰ نفر مرد و ۲۰ نفر زن بودند. همه‌ی آزمودنی‌ها دانشجوی مقطع کارشناسی بودند که ۲۸ نفر در دامنه سنی ۲۰-۲۸ سال (۹۳/۳٪)، ۱ نفر در دامنه سنی ۲۹-۳۶ (۳/۳٪) و ۱ نفر در دامنه سنی ۳۷-۴۴ (۳/۳٪) قرار داشتند. در جدول (۱) شاخص‌های توصیفی متغیر سن قابل مشاهده است.

که جهت اطمینان از رعایت عدالت و جلوگیری از تبعیض‌های اداری، مصاحبه توسط دانشجویان انجام شود. متقاضیان وام دو نفر از همدستان آزمایشگر بودند که به صورت یکسان به نحوی به سؤالات مصاحبه‌گر پاسخ می‌دادند که واجد شرایط وام باشند. برای محل انجام مصاحبه یک کلاس درس مجزا در نظر گرفته شد، که هر دانشجو جهت انجام مصاحبه از کلاس درس خود خارج می‌شد و به کلاس مصاحبه مراجعه می‌کرد. هر دانشجو با دو متقاضی مصاحبه کرد. بعد از مصاحبه با متقاضی اول و خروج متقاضی از کلاس محل مصاحبه، استاد از آزمودنی می‌خواست که بر اساس دلایل شخصی خود و عدم علاقه به متقاضی دوم، او را رد کند. هدف از این مرحله قرار دادن مصاحبه‌گر(آزمودنی) در یک دو راهی بود که آیا از اخلاقیات پیروی کند و مصاحبه را بدون سوگیری انجام دهد یا از دستورات اتوریته و استاد پیروی کند و متقاضی را رد کند. نتایج مصاحبه با نفر اول سطح پایه در نظر گرفته شد و با نتایج مصاحبه با نفر دوم مقایسه شد. در این آزمایش متغیر مستقل دستورات اتوریته یا استاد بود و متغیر وابسته میزان اطاعت دانشجوی مصاحبه‌گر بود. پس از اتمام مصاحبه موضوع برای آزمودنی روشن شد که در یک آزمایش علمی شرکت کرده‌اند و هدف اصلی آزمایش توضیح داده شد. به منظور رعایت اخلاق در پژوهش طرح استفاده از ژنراتور الکتریکی و شوک که در آزمایش میلگرام استفاده شده بود به

جدول ۱: آمار توصیفی متغیر سن

متغیر	میانگین	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
سن	۲۴/۵	۲۰	۴۴	۴/۴۵

در شکل ۱: نسبت جنسیت زن و مرد در نمونه‌ی آماری قابل مشاهده است.



شکل ۱: نسبت جنسیت

**فرضیه ۲:** بین اطاعت از اتوریته و سن و جنسیت رابطه‌ی همبستگی وجود دارد.

جدول ۴: ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	p-value
اطاعت از اتوریته و سن	۳۰	۰/۰۰۸	۰/۹۶
اطاعت از اتوریته و جنسیت	۳۰	۰/۰۴۷	۰/۸۰

$p < ۰/۰۱^{**}$ ,  $p < ۰/۰۵^*$

نتایج جدول ۴ حاکی از آن است که بین متغیر اطاعت از اتوریته و متغیرهای سن و جنسیت در سطح ۹۵٪ اطمینان  $p < ۰/۰۵$  رابطه‌ی همبستگی معنادار وجود ندارد. بر همین اساس فرضیه‌ی پژوهش مبنی بر وجود رابطه‌ی همبستگی بین متغیر اطاعت از اتوریته و متغیرهای سن و جنسیت رد می‌شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی اثر اتوریته بر میزان اطاعت و همبستگی بین متغیرهای سن و جنسیت با میزان اطاعت بود. به عبارت دیگر پژوهش حاضر تکرار روش شناختی یا مفهومی آزمایش استنلی (1974) Milgram با کنترل تأثیر متغیرهای سوگیری آزمایشگر، نقش شرایط آزمایشگاه و اعتماد به شخصیت بهنجار آزمایشگر، اجرای باورپذیر فریب، اثر جای پا باز کردن، رعایت شباهت آزمایش به زندگی مدرن و نیز رعایت اخلاق در پژوهش بود. نتایج نشان داد دستور یا خواسته‌ی یک اتوریته بر تصمیم‌گیری آزمودنی‌ها اثر معنی دار دارد. به عبارت دیگر ۸۳٪ آزمودنی‌ها از خواسته‌ی اتوریته مبنی بر رد کردن درخواست یک متقاضی وام اطاعت کردند. این در صورتی بود که متقاضی شرایط دریافت وام را داشت و آزمودنی‌ها قبل از خواسته‌ی اتوریته مبنی بر رد کردن درخواست وام، ۱۰۰٪ درخواست‌ها را تایید کرده بودند. نتیجه‌ی پژوهش با پژوهش (1974) Milgram با میزان ۶۹٪ اطاعت، ۹ پژوهش در ایالات متحده آمریکا با میانگین ۶۰/۹۴٪ اطاعت آزمودنی‌ها از اتوریته و پژوهش‌هایی در کشورهای ایتالیا، آفریقای جنوبی، استرالیا، اردن، اسپانیا، هند، با میانگین ۶۵/۹۴٪ اطاعت همسو بود (Blass, 2012). تکرار نتیجه‌ی آزمایش میلگرام در ایران و سایر فرهنگ‌ها نشان از مستقل بودن تأثیر اتوریته از پدیده‌های فرهنگی است. میلگرام در تبیین نظری اطاعت، از سازه‌ی نظری (عامل شدگی) استفاده می‌کند. به این معنی که فرد مطیع، مسئولیت و اختیار خود را از دست داده و عاملی می‌شود در راستای انجام خواست اتوریته و این امر به لحاظ تکاملی شرایط پذیرش فرد در گروه را ایجاد می‌کند که این برای انسان که

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون ناپارامتریک کوکران جهت مقایسه‌ی نسبت متغیر اطاعت از اتوریته که یک متغیر اسمی و دو ارزشی است در دو وضعیت پیش‌آزمون و پس‌آزمون استفاده شد و همچنین از آزمون ناپارامتریک همبستگی اسپیرمن جهت بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای سن و جنسیت و متغیر اطاعت از اتوریته استفاده شد.

**فرضیه ۱:** آزمودنی‌ها از دستورات اتوریته مبنی بر رد درخواست کمک هزینه مالی اطاعت می‌کنند.

جدول ۲: فراوانی متغیر اطاعت

مرحله‌ی آزمون	تایید درخواست وام	رد کردن درخواست وام
پیش‌آزمون	۳۰	۰
پس‌آزمون قسمت اول	۵	۲۵
پس‌آزمون قسمت دوم	۱۴	۱۶

با توجه به جدول ۲ در قسمت پیش‌آزمون همه‌ی ۳۰ نفر آزمودنی بعد از مصاحبه با متقاضی اول درخواست متقاضی را تایید کردند، در قسمت پیش‌آزمون متقاضی به گونه‌ای پاسخ می‌داد که واجد شرایط دریافت وام باشد. در قسمت پس‌آزمون (قسمت اول) قبل از مصاحبه‌ی هر آزمودنی با متقاضی دوم، مقام اتوریته (استاد کلاس) از آزمودنی‌ها خواست که درخواست متقاضی را رد کنند، این درحالی است که متقاضی وام به گونه‌ای پاسخ می‌دهد که واجد شرایط دریافت وام باشد. از ۳۰ نفر آزمودنی تعداد ۲۵ نفر از دستور اتوریته اطاعت کردند و درخواست متقاضی را رد کردند. پس از اتمام مصاحبه تعداد ۹ نفر از آزمودنی‌هایی که از دستور استاد اطاعت کرده بودند از تصمیم خود منصرف شدند و خواستار تایید درخواست وام متقاضی شدند (پس‌آزمون قسمت دوم).

جدول ۳: آماره‌های آزمون کوکران

حجم نمونه	آماره‌ی کوکران	درجه آزادی	P
۳۰	۳۸/۴۸	۲	۰۰/۰**

$p < ۰/۰۱^{**}$ ,  $p < ۰/۰۵^*$

نتایج جدول ۳ حاکی از آن است که تغییرات رفتار آزمودنی‌ها در رد کردن متقاضی وام در مرحله‌ی پس‌آزمون در مقایسه با پیش‌آزمون در سطح ۹۹٪ اطمینان  $p < ۰/۰۱$  معنی‌دار می‌باشد. بر همین اساس فرضیه پژوهش مبنی بر اطاعت کردن آزمودنی‌ها از اتوریته تایید می‌شود به عبارت دیگر دستور اتوریته به شکل معناداری بر تصمیم‌گیری آزمودنی‌ها تأثیر گذار بود.



قربانی نسبت به وارد آمدن شوک‌ها اعتراض کند، آزمودنی چند شوک به او وارد کرده بود. پژوهش‌های بعدی نشان داد آزمودنی‌هایی که ولتاژ ۱۵۰ را رد می‌کنند تا آخرین نقطه یعنی ۴۵۰ ولت ادامه می‌دهند (Gilbert, 1981; Burger, 2009). از این رو اطاعت آزمودنی‌ها می‌تواند تحت تأثیر تکنیک (جای پا باز کردن) باشد به این شکل که آزمودنی‌ها ابتدا با شوک‌های بدون خطر شروع می‌کنند و بعد در ولتاژ 150 که قربانی برای اولین بار شروع به اعتراض می‌کند، خود را در یک عمل انجام شده می‌بینند به همین علت شوک‌های ابتدایی را نمی‌توان اطاعت دانست. در پژوهش حاضر اطاعت به صورت یک موقعیت دو وضعیتی، اطاعت یا عدم اطاعت در نظر گرفته شد با این وجود میزان اطاعت نسبت به پژوهش میلگرام کاهش معنی داری نداشت.

در پژوهش میلگرام شیوه‌ای از خشونت یعنی استفاده از دستگاه شوک به کار رفت که امروزه نمی‌توان آن را شبیه خشونت موجود در اجتماع دانست، امروزه خشونت موجود در اجتماع به شکل تبعیض‌های اداری دیده می‌شود. Meeus & Raaijmakers (1995) در پژوهش خود موقعیت دستگاه شوک را به موقعیت مصاحبه اداری تغییر دادند به این شکل موقعیت آزمایش شبیه به زندگی واقعی شد با این تغییر میزان اطاعت تا میزان ۹۱٪ افزایش پیدا کرد، نتایج پژوهش حاضر نیز نشان داد تغییر از موقعیت دستگاه شوک به موقعیت مصاحبه افزایش میزان اطاعت تا ۸۳٪ را به همراه داشت که می‌تواند به دلیل تغییر نوع خشونت به کار رفته باشد. در پژوهش حاضر رابطه‌ای بین متغیرهای جنسیت و سن یافت نشد. Milgram (1974) تفاوتی بین میزان اطاعت در زنان و مردان یافت نکرد همچنین Blass (2000) در بررسی ۹ تکرار مفهومی از آزمایش میلگرام تفاوت جنسیتی در میزان اطاعت یافت نکرد که این نتایج با نتایج پژوهش حاضر همسو بود. Shanab & Yahya (1977) بین سن و میزان اطاعت رابطه‌ی معنی داری پیدا نکردند که با نتایج پژوهش حاضر همسو است. نتایج حاکی از آن است که اطاعت از اتوریتته در مرد یا زن در هر رده‌ی سنی به یک میزان قابل مشاهده است.

با توجه به اینکه در پژوهش حاضر تأثیر متغیرهای مزاحم که به نظر منتقدین نتایج پژوهش میلگرام را تحت تأثیر قرار داده بود کنترل شد، نتایج به دست آمده همسو با پژوهش میلگرام میزان بالای اطاعت را نشان داد که این امر نشان دهنده میزان بالای تأثیر یک اتوریتته در زندگی اجتماعی انسان‌ها است با این وجود در کنار کسانی که از اتوریتته اطاعت کردند کسانی بودند که از دستورات اتوریتته سرپیچی کردند و یک کار غیر اخلاقی را انجام ندادند که این سرپیچی کردن از دستورات اتوریتته، هم در

موجودی دارای زیست اجتماعی است ضروری می‌نماید (Milgram, 1974). اما منتقدان اطاعت را در نتیجه‌ی برخی متغیرها می‌دانند که میلگرام تأثیر آنها را در نظر نگرفته است. به نظر Morelli (1983) به علت تضاد در گفته‌ها و عملکرد آزمایشگر در طرح میلگرام، فریب قابل باور نبود و آزمودنی‌ها بر این باور بودند که آسیبی با دستگاه شوک به قربانی وارد نمی‌شود. در پژوهش حاضر تضادی بین گفته‌ها و عملکرد آزمایشگر وجود نداشت که طرح را غیر قابل باور کند و در نهایت بنا بر نظرسنجی از شرکت کنندگان در آزمایش، 100% آزمودنی‌ها مصاحبه را کاملاً باورپذیر و واقعی دانستند با این حال نتیجه‌ی آزمایش میلگرام تکرار شد. دیگر منتقدان اطاعت را در نتیجه‌ی تأثیر محیط آزمایشگاهی که در آن آزمودنی‌ها خود را ملزم به انجام تکلیف آزمایشگاهی می‌دانند و همچنین در نتیجه‌ی اعتماد به شخصیت بهنجار آزمایشگر می‌دانند که هیچگاه در آزمایشگاه قصد آسیب زدن به کسی را ندارد (Mixon, 1976; Holland, 1967; Orne & Holland, 1968; Baumrind, 1964) در همه‌ی تکرارها از آزمایش میلگرام به آزمودنی‌ها گفته می‌شد که آنها قرار است در یک آزمایش شرکت کنند (Elms & Milgram, 1966; Meeus & Raaijmakers, 1995; Blass, 2009; Virgil Zeigler-Hill et al, 2013; Mantell & Panzarella, 1976) اما در پژوهش حاضر به آزمودنی‌ها گفته شد که مصاحبه یک موقعیت واقعی است و تصمیم آنها در رد کردن یا تایید درخواست وام بر واگذاری وام به متقاضی، تأثیر گذار است با این حال میزان اطاعت نسبت به موقعیت‌های آزمایشگاهی کاهش معنی داری نداشت این نتیجه با نتیجه‌ی پژوهش (Laurent Bègue (2015) که در آن به آزمودنی گفته شده بود تکلیف پژوهش واقعی است، همسو بود بنا بر این می‌توان نتیجه گرفت میزان اطاعت در پژوهش میلگرام تنها متأثر از وضعیت آزمایشگاهی و شخصیت آزمایشگر نیست.

دیگر انتقاد وارد آمده به آزمایش میلگرام این است که آزمودنی‌ها همزمان با وارد کردن شوک که یک کار غیر انسانی است یک کار اخلاقی نیز انجام می‌دادند که این کار اخلاقی شرکت در یک آزمایش علمی و کمک به شناخت حافظه بود و این با اطاعت مخرب که در جنگ‌ها اتفاق می‌افتد و هدف میلگرام بررسی اطاعت مخرب بود متفاوت است (Baumrind, 1964). در پژوهش حاضر آزمودنی‌ها با اطاعت از اتوریتته و رد کردن درخواست متقاضی وام کار انسانی یا اخلاقی انجام ندادند بلکه تنها بر خلاف شرایط متقاضی، او را تنها به خاطر درخواست اتوریتته رد کردند با این که در پژوهش حاضر اطاعت تنها از نوع مخرب بود، نسبت به نتایج میلگرام کاهش صورت نگرفت و نتیجه تکرار شد. در آزمایش میلگرام اولین باری که قربانی شروع به اعتراض میکرد در ولتاژ ۱۵۰ بود یعنی قبل از اینکه

	واژه نامه
1. Yale	۱. ییل
2. New Haven	۲. نیوهیون
3. American Psychological Association	۳. انجمن روانشناسی آمریکا
4. Foot in door	۴. جای پا باز کردن
5. Cochran	۵. کوکران
6. Spearman	۶. اسپیرمن
7. Agentic	۷. عامل شدگی

### منابع فارسی

الیاسی، محمدحسین. (۱۳۹۲). اطاعت در نیروهای مسلح، مجله سیاست دفاعی، ۳(۲)، ۱-۱۸.

### فهرست منابع

- Arendt, H. (1963/1994). *Eichmann in Jerusalem: A report on the banality of evil*. New York: Penguin.
- Baumrind, D. (1964). Some thoughts on ethics of research: After reading Milgram's "Behavioral study of obedience." *American Psychologist*, 19, 421-423.
- Blass, T. (2004). *The Man who Shocked the World: The Life and Legacy of Stanley Milgram*. New York: Basic Books.
- Blass, T. (1991). Understanding behavior in the Milgram obedience experiment: The role of personality, situations, and their interactions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 60, 398-413.
- Blass, T. (2012). A cross-cultural comparison of studies of obedience using the Milgram paradigm: A review. *Social and Personality Psychology Compass*, 6, 196-205.
- Burger, J. M. (1999). The foot-in-the-door compliance procedure: A multiple-process analysis and review. *Personality and Social Psychology Review*, 3, 303-325.
- Burger, J. M. (2009). Replicating Milgram: Would people still obey today?. *American Psychologist*, 64, 1-11.
- Dambrun, M., & Vatine, E. (2010). Reopening the study of extreme social behaviors: Obedience to authority within an immersive video environment. *European Journal of Social Psychology*, 40, 760-773.
- Elms, A. C., & Milgram, S. (1966). Personality characteristics associated with obedience and defiance toward authoritative command. *Journal of Experimental Research in Personality*, 1, 282-289.

پژوهش میلگرام دیده شد هم در تکرارهایی که توسط دیگران انجام گرفت و همچنین در پژوهش حاضر ۱۷٪ از آزمودنی‌ها از دستورات اتوریتیه پیروی نکردند و بر اساس ارزش‌های درونی خود عمل کردند و در ادامه تعدادی از آزمونی‌ها از تصمیم خود مبنی بر اطاعت از دستورات اتوریتیه، پشیمان شدند و تعداد افراد نافرمان تا ۴۶٪ افزایش پیدا کرد و علت پشیمانی خود را عذاب وجدان بیان کردند. از این رو می‌توان چنین نتیجه گرفت که محرک‌های محیطی و اجتماعی مانند دستورات اتوریتیه بر تصمیمات انسان‌ها تأثیر گذار هستند اما تفاوت‌ها در میزان تأثیر پذیری انسان‌ها از این محرک‌ها، نشان از وجود یک عامل درونی و شخصیتی است (Blass, 2009; Elms & Milgram, 1966; Laurent Bègue, 2015) که در تعامل با محرک‌های بیرونی رفتار انسان‌ها را جهت می‌دهد.

با توجه به اینکه در این پژوهش از دستگاه شوک الکتریکی استفاده نشد، واکنش‌های هیجانی همراه با اضطراب بالا که در پژوهش میلگرام وجود داشت، دیده نشد و بر اساس نظرسنجی به عمل آمده از آزمودنی‌ها ۱۰۰٪ از شرکت در پژوهش رضایت داشتند و تنها در هنگام تصمیم‌گیری برای رد یا تایید درخواست متقاضی وام، میزانی از احساس گناه و عذاب وجدان را تجربه کرده‌بودند که آن را آزار دهنده نمی‌دانستند. از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به محدود بودن نمونه‌ی آماری به دانشجویها و محدود بودن مکان آزمایش به محیط دانشگاه می‌باشد لذا پیشنهاد می‌شود آزمایش با افشار دیگر جامعه و در محیط‌های اجتماعی دیگر برگزار شود.

### موازن اخلاقی

در این مطالعه اصول اخلاق در پژوهش شامل اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان و حفظ اطلاعات محرمانه آنها رعایت گردیده است.

### تشکر و قدردانی

پژوهشگران مراتب قدردانی و تشکر خود را از کلیه شرکت‌کنندگان این پژوهش که با استقبال و بردباری، در روند استخراج نتایج همکاری نمودند، اعلام می‌دارند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مطالعه هیچ گونه تعارض منافی در انجام و نگارش آن ندارند.

- Morelli, M. F. (1983). Milgram's dilemma of obedience. *Metaphilosophy*, 14, 183-189.
- Miller, A.G. (2009). Reflections on "Replicating Milgram" (Burger, 2009). *American Psychologist*, 64, 20-27.
- O'Leary, C., Willis, F., & Tomich, E. (1970). Conformity under deceptive and nondeceptive techniques. *Sociological Quarterly*, 11, 87-93.5.1970.
- Orne, M. T., & Holland, C. H. (1968). On the ecological validity of laboratory deceptions. *International Journal of Psychiatry*, 6, 282-293.
- Perry, G. (2013). *Behind the shock machine: The untold story of the notorious Milgram psycho experiments*. The New Press.
- Shanab, M. E., & Yahya, K. A. (1977). A behavioral study of obedience in children. *Journal of Personality and Social Psychology*, 35, 530-536.
- Slater, M., Antley, A., Davison, A., Swapp, D., Guger, C. Barker, C.,... Sanchez-Vives, M. V. (2006). A virtual reprise of the Stanley Milgram obedience experiments. *PLoS ONE*, 1, 1-10.
- Virgil Zeigler-Hill , Ashton C. Southard , Lindsey M. Archer & Patrick L. Donohoe (2013) Neuroticism and Negative Affect Influence the Reluctance to Engage in Destructive Obedience in the Milgram Paradigm, *The Journal of Social Psychology*, 153:2, 161-174.
- Eliasi, M.H. (2012). Obedience in the Armed Forces, *Journal of Defense Policy*, 3(2), 1-18.
- Elms, A. C. (2009). Obedience lite. *American Psychologist*, 64, 32-36.
- Gilbert, S. J. (1981). Another look at the Milgram obedience studies: The role of the graduated series of shocks. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 7, 690-695.
- Geller, D. M. (1978). Involvement in role-playing simulations: A demonstration with studies on obedience. *Journal of Personality and Social Psychology*, 36, 219-235.
- Holland, C. D. (1967). Sources of variance in experimental investigation of behavioral obedience. *Dissertation Abstracts International*, 29, 2802A. (University Microfilms No. 69-2146).
- Kelman, H. C. (1967). Human use of human subjects: The problem of deception in social psychological experiments. *Psychological Bulletin*, 67, 1-12.
- Laurent Bègue, Jean-Léon Beauvois, Didier Courbet, Dominique Oberlé, JohanLepage. (2015). Personality Predicts Obedience in a Milgram Paradigm. *Journal of Personality*, Wiley, 83 (3),299-306.
- Mantell, D. M., & Panzarella, R. (1976). Obedience and responsibility. *British Journal of Social and Clinical Psychology*, 15, 239-245.
- Meeus, W. J., & Raaijmakers, Q. W. (1995). Obedience in modern society: The Utrecht studies. *Journal of Social Issues*, 51, 155-175.
- Mixon, D. (1976). Studying feignable behavior. *Representative Research in Social Psychology*, 7, 89-104.
- Milgram, S. (1974). *Obedience to Authority: An Experimental View*. New York: Harper & Row.
- Milgram, S. (1963). Behavioral study of obedience. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 67, 371-378.
- Milgram, S. (1964). Issues in the study of obedience: A reply to Baumrind. *American Psychologist*, 19, 848-852.
- Miller, A. G. (1986). *The obedience experiments: A case study of controversy in social science*. New York: Praeger.
- Miller, A. (1972). Role-playing: An alternative to deception? *American Psychologist*, 27, 625-636.